

مجمع دانشجویان حزب الله
و شکل‌گیری جنبش
عدالتخواه دانشجویی

اینجا مجمع بوده،
هست و خواهد
بود!

دانشگاه دولتی یا بنگاه
یول‌سازی؟!
کاغذپاره‌های فیل و
خر!

تعیین‌های
چرب!

ویکی‌تدیا

سرمقاله





فهرست:

۱ سرمقاله

خوش آمدگویی کرونایی به شما جدیدالورودهای علموص

۲ دانشگاه دولتی یا بنگاه پول سازی!

توضیحی مختصر بر پولی شدن دانشگاه علم و صنعت در مقطع کارشناسی

۳ ویکی تدیا

دانش نامه‌ی مازاد دانشگاه علم و صنعت!

۴ مجمع دانشجویان حزب الله و شکل گیری جنبش عدالتخواه دانشجویی

نگاهی به تاریخچه‌ی شکل گیری جنبش عدالتخواه

۶ اینجا مجمع بوده، هست و خواهد بود!

نگاهی به تاریخچه‌ی مجمع دانشجویان حزب الله

۹ کاغذپاره‌های فیل و خر!

گزارشی از برنامه‌ی مجمع دانشجویان حزب الله با مسعود براتی

۱۲ سیبیل های چرب!

مقاله‌ای در مسئله‌ی فساد اداری

صاحب امتیاز: مجمع دانشجویان
حزب الله دانشگاه علم و صنعت

مدیر مسئول و سردبیر: عباس آخوندی

هیأت تحریریه: عباس آخوندی، هادی فرجیان،
محمدرسول نوروزی، علیرضا اسعدی، هامون
سلیمانی

طراح جلد و صفحه آرای: عباس آخوندی

نشریه خیزش نو، نشریه‌ای
دانشجویی با هدف گسترش فرهنگ
اسلام ناب و رسیدن به تمدن اسلامی
بدون مرز است.

اگر شما هم دغدغه‌مند این حوزه
هستید، خیزش نو را نشریه خود بدانید
و می‌توانید برای آن بنویسید.

اجازه بدهید دستان برای ویرایش و
تخلیص و اعمال شیوه‌ی نگارشی نشریه
برای متون ارسالی شما باز باشد.

تضارب آراء، با هدف پی بردن به حقیقت
برایمان ارزشمند است. لذا ممکن است
در نشریه خیزش نو متونی را ببینید که
به طور کامل مورد تأییدمان نباشد.

نوشته‌های خیزش نو را با ذکر منبع
می‌توانید نقل کنید.



@MajmaHezbollah



t.me/majmahezbollah



ble.im/majmahezbollah



www.majmahezbollah.ir



majmahezbollah@gmail.com

مجمع دانشجویان حزب الله را در فضای مجازی دنبال کنید.
منتظر انتقادات و پیشنهادات شما هستیم.

سر مقاله

خوش آمدگویی کروناپی به شما جدید (الورودهای علوم)

الآن که این سطور را برای شما می‌نویسم روزی نزدیک ۳۰۰ تا کشته کروناپی داریم و هنوز نمی‌دانم که آیا نسخه فیزیکی این نشریه به دستتان می‌رسد یا نسخه الکترونیکی؟! درباره علوم هم پایین توضیح می‌دهم، عجله نکنید، حداقل ۴ سال باید اینجا باشید، اصلاً کجا از اینجا بهتر!

اول سلام می‌کنم به همه‌ی شما نو علم و صنعتی‌ها، چه آن‌هایی که قبلاً یک پیش‌زمینه‌ای نسبت به این دانشگاه داشتند، چه آن‌هایی که نداشتند! چه آن‌هایی که گفتند «آخیش!» علم و صنعت قبول شدیم، چه آن‌هایی که گل و گاوزبان لازم شدند، پس از دیدن نتیجه قبولی!

نکته اول من بعد به جای علم و صنعت برای اختصار از علوم استفاده می‌کنیم.

اول مقداری از خودم بگویم، من شش سالی است که علوم‌وی هستم، البته الآن دانشجوی ارشد هستم، یک‌زمانی سال ۱۳۹۴ مثل شما، دانشجوی کارشناسی بودم و احتمالاً به اندازه کافی پیراهن بخشید اشتباه شد، نه منظورم کتاب و جزوه بود که بعداً از امتحان پاره کردم و بعضاً از شدت علاقه آتش زدم!

اصلاً هم قصد منبر رفتن ندارم، چون جایی که این متن را برایتان می‌نویسم، به‌زور صندلی گیر می‌آید، چه برسد به منبر.

نکته دوم را هم اینجا می‌گویم که با سال بالایی‌ها مشورت کنید و نظراتشان را بشنوید ولی مطیع بدون چون چرای آن‌ها نشوید که هرکسی از زاویه دید خودش به قضایا نگاه می‌کند و شاید توصیه‌اش به درد شما نخورد و جهت خاصی داشته باشد. علوم پر است از جهت‌گیری‌های مختلف! شهر هزار طایفه که چه عرض کنم، دانشگاه هزار طایفه اینجاست!

اول اینکه تو دانشگاه دانشجو بودن به این معنا نیست که ما که حالا پس از رد کردن هفت‌خوان کنکور آمدیم دانشگاه پس دیگر همه چیز تمام شده و من چقدر از خوشبختم و از این حرف‌ها، اتفاقاً اول کار و تلاشتان است و این حرف‌ها که می‌شنیدید چیزی جز اغفال شما برای درس خواندن و خوب کنکور دادن و ... نبوده و کار شما تازه شروع شده.

نکته دوم اینکه سعی کنید در دانشگاه

فقط مسیری که طی می‌کنید خانه، خوابگاه (البته در صورتی که جناب کرونا گورش از دنیا گم کنه) به دانشکده نباشد، البته در صورتی هم که درس و دانشگاه به‌صورت مجازی بود، باز هم می‌شود یک سری برنامه داشت و ما هم یک سری برنامه داریم (الآن از اسرار مگو است بعداً می‌گویم)، غرض از این سطورى که گذشت تو دانشگاه سیب‌زمینی نباشید و دنبال تجربه کردن فضاها و تجربه‌های مختلف باشید که تک‌بعدی رشد نکنید و فردا که این فرصت از دست رفت، کاسه چه کنم چه کنم دست نگیرید، من خودم این تجربه‌ها باعث شد مسیر زندگی‌ام عوض شود و تو ارشد رشته‌ام را عوض کنم و حتی این تجربه‌ها ممکن است باعث شود، شما نیمه گمشده‌تان را هم پیدا کنید از ما گفتن بود حالا!

نکته سوم اینکه حالا اجازه بدهید برایتان چند مثال بزنم از تجربه‌هایی که تو دانشگاه می‌توانید کسب کنید مثلاً می‌توانید در دانشگاه نرم‌افزارهای مرتبط یا غیر مرتبط با رشته را یاد بگیرید که بعداً قطعاً برای کار پیدا کردن به دردتان می‌خورد، تجربه بعدی می‌توانید با بقیه در یک حلقه مطالعاتی کتاب بخوانید و درباره‌اش با بقیه صحبت کنید یا می‌توانید قلم‌فرسایی کنید و تو نشریات دانشگاه (مثل ما!) بنویسید که ما یکی از خوب‌های نشریات دانشگاه هستیم (علم و صنعت پر است از نشریات تقلبی که تنها کارکردشان انتخابات شورای نشریات است و بس! نشریات فعال بسیار محدود است)، احتمال بالا مشتری خودمان باشید! (چه اعتماد به سقفی داریم)، می‌توانید کارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی کنید. از مسئولین دانشگاه یا یک کشور یک مورد را مطالبه کنید (غیرممکن هم نیست، هم‌تشکلی‌های خودمان تجربه‌ی جلسه با معاونت عربی-آفریقایی وزارت امور خارجه،

سفا ر ت

ونزوئلا و ... را داشته‌اند)، می‌توانید در کرسی‌های آزاداندیشی درباره یک موضوع مثل حجاب و آزادی و ... بحث و مناظره کنید و قس علی‌هذا ...

کم‌کم وقت خداحافظی می‌رسد من که دلم برای شما تنگ می‌شود امیدوارم شما هم تا اینجا خوشتان آمده باشد، تعداد راه‌های رسیدن به خدا که زیاد است (به تعداد انسان‌هاست) برای به ما رسیدن‌ها دو تا راه به شما پیشنهاد می‌کنم!

۱. می‌توانید بیاپید به آدرسی که می‌گویم، ما پشت ساختمان ۱۵ خرداد (همان ساختمان سفید روبروی سردر اصلی دانشگاه) هستیم که با یک لوگو رو سردرمان نوشته شده «مجمع دانشجویان حزب‌الله» که به روی همه آغوشمان باز هست، اگر هم با در بسته مواجه شدید، در بزنید که ابتدا در را بازکنیم، بعد آغوشمان را!

۲. می‌توانید به‌صورت مجازی به ما پیوندید! فقط کافی است به ادمین ما در شبکه‌های اجتماعی پیام بدهید.



دانشگاه دولتی یا بنگاه‌های پول‌سازی

گزینه‌هایی که در میان شان اثری از دانشگاه‌های دولتی نیست تا متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها خود را با دو راهی عجیبی مواجه ببینند؛ انتخاب میان قبولی در دانشگاه‌های پولی بدون کنکور یا منتظر ماندن برای یک ترم دیگر و شرکت در کنکور یا سنجیدن بخت و اقبالشان برای ورود به دانشگاه بدون کنکور.

از سال ۸۲ طرحی به مجلس ارائه شد که طی آن دولت طی ماده‌ی ۱۵۳ برنامه سوم توسعه پیشنهاد ایجاد «دانشجوی نوبت دوم» را به مجلس داد، ولی از آنجایی که دانشجویان در آن سال‌ها به اتفاقات کشور بی‌تفاوت نبودند! به‌سرعت اعتراضات دانشجویی به پولی شدن دانشگاه‌ها شروع شد و طی ۱۰ روز (از ۲۱ تا ۳۱ خرداد) کل دانشگاه‌های کشور را فراگرفت.

شعب بین‌المللی دانشگاه‌ها، طرحی که به‌موجب آن قرار بود دانشجویانی را از خارج کشور جذب کند، از حدود سال ۱۳۹۰ در کشور آغاز شد. بسیاری از شعب این دانشگاه‌ها در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی به‌سادگی با حذف عنوان «بین‌المللی» با اخذ شهریه‌های گزاف اقدام به پذیرش دانشجویان داخلی می‌کردند و زیر سایه طرح پذیرش دانشجوی پولی عملاً اهداف اولیه خود که پذیرش دانشجوی خارجی بود را فراموش کردند. اولین قدم‌ها در این مسیر را دانشگاه تهران و

دانشگاه صنعتی شریف برداشتند. بعد از آن نیز دانشگاه شهید بهشتی نیز اقدام به برگزاری پذیرش دانشجوی پولی در شعبه شماره دو این دانشگاه کرد. اگرچه در ابتدا اعلام شد، هدف از تأسیس این پردیس‌ها جذب دانشجوی خارجی است، اما کم‌کم اهداف پنهان این طرح که همانا درآمدزایی دانشگاه‌ها بود بیشتر خود را نشان داد. یکی از مصادیق این مسئله انتخاب رشته‌هایی در این پردیس‌ها بود که در اصطلاح پرتطرف‌دار و پول‌ساز بود.

همچنین در برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰-۱۳۹۶، ماده ۳۰:

بند «ج»: دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مجازند از ظرفیت‌های مازاد بر سهمیه‌ی آموزش رایگان نه ظرفیت پذیرش دانشجو از طریق کنکور و یا ظرفیت‌های جدیدی که ایجاد می‌کنند بر اساس قیمت تمام شده یا توافقی با بخش غیردولتی و با تأیید هیئت‌امنا در مقاطع مختلف دانشجو بپذیرند.

بند «ی»: وزارتخانه‌های مربوط می‌توانند نسبت به تأمین شعب در شهر محل استقرار خود یا دیگر شهرها و مناطق آزاد داخل کشور و نیز در خارج کشور به‌صورت خودگردان و با دریافت شهریه از داوطلبان اقدام کنند.

وضعیت امروز

امروز در اتفاقی بی سابقه برای اولین بار در مقطع کارشناسی دانشگاه علم و صنعت ایران اقدام به جذب دانشجوی شبانه برای مقطع کارشناسی کرده است و نه تنها سهمیه روزانه کمتر شده و سهمیه نوبت دوم بیشتر شده که در حال حاضر سنوات رایگان آموزشی برای دوره دکتری ۸ نیمسال، دوره کارشناسی ارشد ۴ نیمسال و کارشناسی نیز ۸ نیمسال است، اما در بصره آموزشی دانشگاه قید شده است که دانشگاه می‌تواند بنا

به تصمیم خود حدود یک تا دو ترم به تعداد سنوات تحصیلی اضافه کند و متأسفانه دانشگاه زمانی که با کسری بودجه مواجه می‌شود مدت زمان این سنوات را کاهش می‌دهد و دانشجویان باید حدود دو ماه اعتراض کنند تا مجدداً یک تا دو ترم سنوات تحصیلی اجرایی شود، آن هم در این شرایط سخت کرونیایی و مشکلات آموزش مجازی.

در شکل زیر مقایسه‌ای بین دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌ی کنکور سراسری در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ انجام گرفته و شاهد آن هستیم که دانشگاه حدوداً ۲۰ درصد ظرفیت روزانه را تبدیل به شبانه و نوبت دوم کرده است.

همچنین نکته دیگر این است که بازگشایی دانشگاه در سال تحصیلی جاری ۲۹ شهریورماه بود ولیکن غذا برای دانشجویان خوابگاهی از ۱۹ مهرماه ارائه شده است که آن هم پس از اعتراض شدید دانشجویان به دادن سوبسید و هزینه کردن حداقل ۱۸ هزار تومان برای هر وعده غذایی به نتیجه رسیده است و

برای سایر دانشجویان که در سنوات مجاز تحصیلی هستند که یا تهرانی هستند و یا برای انجام پایان‌نامه خود مجبور شده‌اند در خوابگاه خارج دانشگاه سکونت کنند از این سهمیه که حق آنان هست محروم شده‌اند و همچنین شنیده‌ها حاکی از آن است که به اساتید فشار می‌آورند که خوابگاه را برای دانشجویان تأیید نکرده، زیرا برای دانشگاه بار مالی دارد آیا این صحیح است و از آن طرف به‌خاطر هر ماه تأخیر در پایان‌نامه کارشناسی ارشد نمره از دانشجویان کسر می‌شود، آیا در این شرایط که حداقل امکانات رفاهی فراهم نیست، این منطقی هست؟

امیدواریم حداقل در برابر این صندلی فروشی‌ها، امکانات رفاهی و آموزشی را برای دانشجویان روزانه که مشمول تحصیل رایگان هستند بهبود بخشیده، مجمع دانشجویان حزب‌الله به نمایندگی از دانشجویان ستم‌دیده و مظلوم دانشگاه علم و صنعت خواستار آن هست که مدت اقامت دانشجویان در خوابگاه بیشتر شده و به تعداد بیشتری با بازگشایی دیگر خوابگاه‌ها، خوابگاه داده شود، مثل خوابگاه کوی بسیج دانشگاه وبا بازگشایی این خوابگاه و سایر خوابگاه‌های دانشگاه شاهد ارائه خدمات با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به قشر بیشتری از دانشجویان باشیم.

دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران			
روزانه	۳۰۸۱۲	ریاضیات و کاربردها	۲۵
روزانه	۳۰۸۱۳	فیزیک	۲۵
روزانه	۳۰۸۱۴	مهندسی برق	۱۲۰
روزانه	۳۰۸۱۵	مهندسی حمل و نقل ریلی	۱۲
روزانه	۳۰۸۱۶	مهندسی خط و سازه‌های ریلی	۱۸
روزانه	۳۰۸۱۷	مهندسی شیمی	۵۵
روزانه	۳۰۸۱۸	مهندسی صنایع	۶۰
روزانه	۳۰۸۱۹	مهندسی عمران	۷۰
روزانه	۳۰۸۲۰	مهندسی کامپیوتر	۶۰
روزانه	۳۰۸۲۱	مهندسی ماشین‌های ریلی	۱۸
روزانه	۳۰۸۲۲	مهندسی معماری	۲۵
روزانه	۳۰۸۲۳	مهندسی مکانیک	۱۱
روزانه	۳۰۸۲۴	مهندسی مواد و متالورژی	۱۱۵
روزانه	۳۰۸۲۵	مهندسی مواد و متالورژی	۱۰۰

دفترچه‌ی انتخاب رشته‌ی کنکور ۹۹

دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران			
روزانه	۳۰۸۷۳	ریاضیات و کاربردها	۲۵
روزانه	۳۰۸۷۴	علوم کامپیوتر	۲۲
روزانه	۳۰۸۷۵	فیزیک	۲۲
روزانه	۳۰۸۷۶	مهندسی برق	۱۰۳
روزانه	۳۰۸۷۷	مهندسی حمل و نقل ریلی	۱۲
روزانه	۳۰۸۷۸	مهندسی خط و سازه‌های ریلی	۱۸
روزانه	۳۰۸۷۹	مهندسی شیمی	۴۸
روزانه	۳۰۸۸۰	مهندسی صنایع	۴۸
روزانه	۳۰۸۸۱	مهندسی عمران	۶۵
روزانه	۳۰۸۸۲	مهندسی کامپیوتر	۶۰
روزانه	۳۰۸۸۳	مهندسی ماشین‌های ریلی	۱۸
روزانه	۳۰۸۸۴	مهندسی معماری	۲۰
روزانه	۳۰۸۸۵	مهندسی مکانیک	۱۲
روزانه	۳۰۸۸۶	مهندسی مواد و متالورژی	۱۰۰
روزانه	۳۰۸۸۷	مهندسی مواد و متالورژی	۸۲
نوبت دوم	۳۰۸۸۸	ریاضیات و کاربردها	۵
نوبت دوم	۳۰۸۸۹	علوم کامپیوتر	۸
نوبت دوم	۳۰۸۹۰	فیزیک	۶
نوبت دوم	۳۰۸۹۱	مهندسی برق	۲۵
نوبت دوم	۳۰۸۹۲	مهندسی حمل و نقل ریلی	۴
نوبت دوم	۳۰۸۹۳	مهندسی خط و سازه‌های ریلی	۴
نوبت دوم	۳۰۸۹۴	مهندسی شیمی	۱۲
نوبت دوم	۳۰۸۹۵	مهندسی صنایع	۱۲
نوبت دوم	۳۰۸۹۶	مهندسی عمران	۱۶
نوبت دوم	۳۰۸۹۷	مهندسی کامپیوتر	۱۰
نوبت دوم	۳۰۸۹۸	مهندسی ماشین‌های ریلی	۴
نوبت دوم	۳۰۸۹۹	مهندسی معماری	۱۰
نوبت دوم	۳۰۹۰۰	مهندسی مکانیک	۲۵
نوبت دوم	۳۰۹۰۱	مهندسی مواد و متالورژی	۱۸

دفترچه‌ی انتخاب رشته‌ی کنکور ۹۹



ویکی‌تدیا

دانشنامهٔ مازاد

صفحهٔ اصلی
رویدادهای کنونی
مقالهٔ تصادفی
کمک مالی

همکاری

تغییرات اخیر
ویکی‌نویس شوید!
راهنما
تماس با ویکی‌تدیا

نسخه برداری

ایجاد کتاب
دریافت به صورت PDF
نسخهٔ قابل چاپ

ابزارها

پیوندها به این صفحه
تغییرات مرتبط
بارگذاری پرونده
صفحه‌های ویژه
پیوند پایدار
اطلاعات صفحه
آیتم ویکی‌داده
یادکرد پیوند این مقاله

مقاله | بحث

خواندن

ویرایش

جستجو در ویکی‌تدیا...

امتحان مجازی

از جمله کلماتی است که دارای ابهام بوده و می‌توان از آن دو معنی برداشت کرد.

۱. امتحانی که واقعا رخ نداده و به صورت مجازی و ذهنی بوده و در حقیقت رقم نخورده.

۲. امتحانی که رقم خورده اما در فضای مجازی رقم خورده.

در این صفحه منظره ترکیبی از این دو است. امتحان مجازی در دانشگاه همانطور که در حقیقت گرفته می‌شود و در فضای مجازی است، چندان جدی نیست و روش‌های مختلف هم‌فکری و همکاری در بین دانشجویان متجلی است که در فضای واقعی رقم نمی‌خورد. به همین جهت در واقعیت این مفهوم همچنان اختلافاتی وجود دارد.

نمره

نمره از جمله مواردی است که در تمامی دوره‌های تحصیلی با آن روبرو هستیم. نمره به دو نحو بیان می‌شود.

۱. توصیفی

۲. تفصیلی

ویژگی مشترک انواع نمرات در بی‌ارتباطی آن با یادگیری و علاقه و استعداد است.

در دانشگاه روش‌های مختلفی برای به دست آوردن نمره پیشنهاد می‌شود، از جمله تعریف از مقالات استاد که حتی دانلود نکرده‌اید، تعریف از خط استاد، تعریف از نحوه‌ی آموزش، پرحرفی بی‌مورد و پرگویی در کلاس به نحوی که استاد بپسندد و

دانشجو

در لغت به معنای جوینده‌ی دانش است. البته این کلمه در ایران به صورت اشتباه کاربرد دارد.

کسانی که در ایران به دانشجو شهرت دارند با چند شاخصه‌ی خاص شناخته می‌شوند.

۱. خوابگاه‌های نامرتب

۲. تقلب در امتحانات

۳. نرفتن به سر کلاس (لازم به ذکر است که در دوران برگزاری حضوری کلاس‌ها، شرکت کمتر در کلاس‌ها نوعی قدرت‌نمایی در بین گروه‌های دوستی به شمار می‌رفت).

۴. حضور در گیم‌نت‌ها و دورهمی‌ها

البته با شیوع کرونا علائم و ویژگی‌های بالا بسیار کاهش یافته. آینده‌ی دعوای دانشگاه و دانشجویان در موارد تغذیه، سنوات و در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

نکته‌ی دیگری که شرایط را برای متخصصین و تحلیل‌گران پیچیده‌تر از گذشته کرده، نوع انتخاب آنان است که هیچ ارتباطی به دانش ندارد. دانشجویان به چهار نحو پا به دانشگاه می‌گذارند:

۱. کسب مدال در مسابقات و المپیادها: مدال طلای المپیاد این اجازه را می‌دهد تا فرد بتواند هر رشته‌ای را در هر دانشگاهی انتخاب کند. ارتباط این مدال با تحصیل دانشگاهی هنوز کشف نشده، طبق برخی گمانه‌زنی‌ها پس از کشف واکسن کرونا می‌توان جواب را پیدا کرد. برخی نیز این سوال را از مسائل باز علمی می‌دانند.

۲. کسب رتبه در کنکور: عدد این رتبه در انتخاب رشته و دانشگاه موثر است

۳. پرداخت پول: این روش به افرادی که دارای ثروت مناسب هستند ولی رتبه‌ی خیلی خوبی کسب نکرده‌اند پیشنهاد می‌شود. البته با رتبه‌های خیلی بد شاید نتوان از این روش بهره جست.

۴. سهمیه: سهمیه دارای انواع مختلفی است. البته هنوز ارتباط و علت هیچ کدام از این سهمیه‌ها کشف نشده، با این وجود یکی از داغ‌ترین مباحث دانشگاهی، دعوا بر سر سهمیه‌هاست. صاحب نظران این برخورد را از جذاب‌ترین و در عین حال بیهوده‌ترین دعوای پس از دعوی تصاحب شورای صنفی می‌دانند. البته علت تکرر این دعوای هنوز پیدا نشده، اما کارشناسان را به فکر ایجاد بخش دانشگاهی المپیک با تکیه بر شورای صنفی، حجاب، تفکیک جنسیتی و ... انداخته

مجمع دانشجویان حزب‌بالله و شکل‌گیری جنبش عدالتخواه دانشجویی

سال‌های پایانی دهه‌ی هفتاد بود که نخستین پایه‌های جریان‌ی دانشجویی، به نام جنبش عدالتخواه در برخی محیط‌های دانشجویی و غیردانشجویی جان گرفت؛ یکی از اصلی‌ترین این محیط‌ها، «مجمع دانشجویان حزب ...» دانشگاه علم و صنعت بود.

تعدادی از بچه‌ها کارهای مطالعاتی را شروع کرده بودند که حدود یک سال طول کشید. در طی این مدت در کنار کارهای مطالعاتی که بیش‌تر ناظر به بعد محتوایی بود، سعی کردند آمادگی‌هایی مثل روزنامه‌نگاری و... را هم کسب کنند تا پایه‌ای باشد برای ورود به فضای عملی. «صحیفه‌خوانی» هم که از کارهای معهود بوده است؛ به تعبیری، اگر شما صحیفه‌ی امام را نخوانده باشید، نیروی این تشکل نخواهید شد!

آن روزها که فضای نشریات داغ بود (و هنوز پای پیام‌رسان‌ها و فضای مجازی این قدر به زندگی مردم باز نشده بود)، تشکلهای دانشجویی نیز با انتشار نشریه‌های مختلف زمینه‌ی گسترش تفکر عدالتخواهی و ارتباط تشکلهای با یکدیگر را فراهم کردند؛ مثلاً آن روزها همین «خیزش» علم و صنعت در نقاط مختلف کشور پخش می‌شد (البته هنوز هم از معدود نشریات غیرانتخاباتی دانشگاه است) و بعدها نخ تسبیحی شد برای ارتباط و گردهم آمدن فعالان عدالتخواه. البته بعدها سایت «مستضعفین» هم راه افتاد و بعدترها هم پایگاه خبری عدالتخانه، که کلی سرو صدا کرد.

در بُعد میدانی هم بچه‌ها همیشه پای کار بوده‌اند و در کنار نامه و بیانیه، هر جا

نیاز بوده برای رساندن اعتراض خود در تجمع مقابل دستگاه‌های مسئول به میدان آمده‌اند، چه برای مسئله خصوصی‌سازی، در کنار کارگران ستم‌دیده و چه برای حمایت از مردم مظلوم فلسطین و نیجریه و کشمیر.

مثل آبان ۸۱، جلوی کاخ دادگستری؛ وقتی که رهبری به طور خاص رو به جوانان و دانشجویان بحث مطالبه‌ی عدالت و حساسیت در مقابل این قضیه را مطرح کردند، دانشجویان با تجمع در مقابل این کاخ، خواستار برخورد با مفسدان اقتصادی شدند. اگر اسمی از پیام ۸/۶ شنیدید منظور همین پیام است.*

یا آذر ۸۳ که دانشجویان پنج شب تمام را جلوی در این فرمانداری، شهرداری، کمیته‌ی امداد و... خوابیدند تا سرانجام شهرداری پس از مرگ ۴۲ کارتن‌خواب در سرمای آن سال، گرمخانه‌هایی برای اسکان کارتن‌خواب‌ها در نظر گرفت.

یا تابستان همین امسال و تجمعاتی که در اعتراض به خصوصی‌سازی و ظلم به کارگران تا اعتراض به اسارت شیخ زکزاکی و دفاع از حقوق مسلمانان کشمیر برگزار شد و در پس آن هم جلساتی با مسئولان وزارت خارجه و ستاد

حقوق بشر قوه قضائیه برای پیگیری و مطالبه این موضوعات.

این جنبش دانشجویی که از آغاز هم خود را در کنار مردم و پیگیر حقوق آنان می‌دانست، امروز هم می‌کوشد در حد توان خود پیگیر مشکلات مردم مستضعف و ستم‌دیده باشد.

* امروز سرآغاز فهرست بلند مسائل کشور مسئله‌ی عدالت است. دانشجویان اگر چه خود برخاسته از قشرهای مستضعف جامعه هم نباشد، به عدالت اجتماعی و پر کردن شکافهای طبقاتی به چشم یک آرزوی بزرگ و بی‌بدیل می‌نگرد.

این احساس و انگیزه در دانشجویان پر ارج و مبارک است و می‌تواند پایه‌ی قضاوتها و برنامه‌های عملی او برای حال و آینده باشد. اگر عدالت - عدالت واقعی و ملموس و نه فقط سخن گفتن از عدالت - آرزو و آرمان و هدف برنامه‌ریزی‌هاست، پس باید هر پدیده‌ی ضدعدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد.

مسابقه‌ی رفاه میان



**پیام رهبر انقلاب به مناسبت
پانزدهمین نشست سراسری
تشکل‌های مرتبط با جنبش
عدالتخواه دانشجویی:**

جوانان عزیز

پرچم عدالت‌خواهی را همواره
پیامبران الهی و پیروان راستین
آنان بر دوش کشیده‌اند.

امروز و همیشه مجاهدت در زیر
این پرچم، صادقانه‌ترین نشانه‌ی
پیروی از رسولان الهی است.
آنچه در کنار همه‌ی الزامات این
حرکت، ضروری و حیاتی است
آن است که اولاً مراقبت شود
کسانی با انگیزه‌های دیگر، این
شعار حق را ابزار نکنند؛ و ثانیاً
به نام عدالت‌طلبی، حرکتی
غیرمنصفانه از سر جهل یا غفلت
انجام نگیرد.

صبر و بصیرت را برای شما و دیگر
تشکل‌های عزیز دانشجویی از
خداوند متعال مسألت می‌کنم.

۲۲ مرداد ۱۳۸۷

**پیام رهبر انقلاب به مناسبت
یازدهمین نشست سراسری
تشکل‌های مرتبط با جنبش
عدالتخواه دانشجویی:**

ضمن ابلاغ سلام من به
دانشجویان عضو جنبش
عدالتخواهی.

به فرزندان دانشجوی من
بگویید عدالتخواهی لب انتظار
ما از دانشجویان است و در این
راه دو اصل نباید فراموش گردد:

۱. جدیت در امر عدالت، بگونه
ای که با همت عالی و تمام
توان در این مسیر تلاش
نمایند.

۲. همه تلاش‌ها و اقدام‌ها
از راه درست و صحیح و
متکی به اصول انجام گیرد
و مصالح کلی نظام مدنظر
باشد.

برای فرزندان عزیزم آرزوی
توفیق و سربلندی دارم.

۱۵ اسفند ۱۳۸۵

مسئولان، بی‌اعتنایی به
گسترش شکاف طبقاتی در ذهن
و عمل برنامه‌ریزان، ثروت‌های
سربرآورده در دستانی که تا
چندی پیش تهی بودند، هزینه
کردن اموال عمومی در اقدامهای
بدون اولویت، و به طریق اولی در
کارهای صرفاً تشریفاتی، میدان
دادن به عناصری که زرنگی و
پررویی آنان همه‌ی گلوگاههای
اقتصادی را به روی آنان
می‌گشاید، و خلاصه پدیده‌ی
بسیار خطرناک انبوه شدن ثروت
در دست کسانی که آمادگی
دارند آنرا هزینه‌ی کسب قدرت
سیاسی کنند و البته با تکیه بر
آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه
را هزینه کرده‌اند گرد می‌آورند.

اینها و امثال آن نقطه‌های
استفهام برانگیزی‌ست که هر
جوان معتقد به عدل اسلامی
ذهن و دل خود را به آن متوجه
می‌یابد و از کسانی که مظنون به
چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند
پاسخ می‌طلبد و همچنین در کنار
آن از دولت و مجلس و دستگاه
قضایی عملکرد قاطعانه برای
ریشه‌کن کردن این فسادها را
مطالبه می‌کند.

امروز این مهمترین و مطرح‌ترین
مسئله‌ی کشور ماست و نسل
جوان دانشجوی متعهد و مؤمن
نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت
بماند.

۶ آبان ۱۳۸۱

اینجا مجمع بوده، هست و خواهد بود!

مجمع دانشجویان حزب‌الله نهادی است اسلامی متشکل از دانشجویان مسلمان و متدین، تابع ولایت مطلقه‌ی فقیه و نظام متقدس جمهوری اسلامی که در راستای شعار «واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» و ایجاد ارتباط بین دانشجویان مسلمان در سراسر جهان، به دور از وابستگی‌های خارجی و تلاطمات سیاسی داخلی (بخشی از اساسنامه‌ی مجمع دانشجویان حزب‌الله)



مجمع همیشه به مطالعه معروف بوده، ما نیز مانند گذشته پا به عرصه‌ی مطالعه‌ی گروهی گذاشتیم اما....

اما نتوانستیم جواب سوالات مان را در این کتب (با تمام ارزشی داشتند برای خواندن) پیدا کنیم. به همین علت کارمان را به خودیگری ادامه دادیم و تصمیم گرفتیم با افراد صاحب‌نظر و متخصص صحبت کنیم و سوالات مان را بپرسیم. البته این به این معنا نیست که دیگر کتاب نمی‌خوانیم!

بخشی از کارهای تشکل مرتبط با نقدهایی است که داریم، مثل تجمعات و نامه‌ها، بخشی دیگر هم مربوط به هم‌افزایی و گفت‌وگو است، از جمله سخنرانی‌ها و همایش‌ها.

مجمع همیشه به بر این مبانی استوار بوده:

پایبندی به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه‌های امام خمینی (ره)، اعتقاد به آزادی اندیشه، تلاش در جهت عدالتخواهی و اهتمام به امور مستضعفان جهان...

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ....

بگو فقط به شما یک اندرز می‌دهم که برای خدا به پا خیزید، دوتا دوتا و به تنهایی...

اگر بگوئیم آرمان و عقیده و برنامه‌ی عملی مجمع از داخل همین آیه استخراج شده، بی‌راه نگفته‌ایم.

یک موعظه‌ای که واعظش خداست و آورنده‌ی موعظه پیغمبر اکرم است و می‌فرماید فقط یک موعظه است، این موعظه باید اهمیتش خیلی زیاد باشد که با این تعبیر می‌فرماید. آن موعظه این است که «ان تقوموا لله مثنی و فرادی»؛ این که قیام کنید برای خدا، برای اقامه‌ی حق قیام کنید. لازم نیست که اول یک اجتماعاتی باشد، «ثُمَّ» انسان بعد از اجتماعات قیامی کند. یکی یکی هم تکلیف هست - مثنی و فرادی - «فُرَادَى» هم هست، دوتا دوتا هم هست؛ این دیگر اقل جمعش است. یعنی تنهایی تکلیف به قیام لله هست و «اجتماعی» هم که اقلش دوتا است. از دوتا شروع می‌شود به بالا؛ هر چه بالا رفت. میزان این است که انسان تشخیص بدهد که «لله» هست این قیام. برای خدا هست آن قیام. دیگر اگر لاله شد و برای خدا شد، از این که تنها هستیم، از این که جمعیت مان کم است، دیگر وحشتی نیست. قیام اگر لله هست، برای خداست، قیام لله هیچ خسران ندارد، هیچ ضرر توی آن نیست.

امام خمینی (ره): ۲۸ آبان ۱۳۵۷



سال ۱۳۷۰ تأسیس رسمی مجمع دانشجویان حزب‌الله است. مجمع آن زمان با هدف همکاری، ارتباط و پیوند میان دانشجویان مسلمان به ایجاد ارتباط بین تشکل‌های اسلامی سراسر جهان می‌پرداخت.



سال ۱۳۸۰ زمان تغییرات بود و تصمیم بر پیگیری مسأله‌ی عدالت پس از حدود پنجاه جلسه بحث و گفتگو با اساتید مختلف. از همان موقع بود که مجله‌ی خیزش شکل گرفت که در نقاط مختلف کشور توزیع می‌شد و این طور کم‌کم شد موی دماغ آقایان و آقاها.

رهبر انقلاب طی نامه‌ای به قوای سه‌گانه دستور پیگیری مسأله‌ی عدالت را دادند. این نامه بعدها به فرمان ۶ ماده‌ای مشهور شد. برخورد با دانه‌درشت‌ها و عدم تبعیض در اجرای احکام قضایی از مفاد این فرمان بود. فرمانی که هنوز هم به درستی اجرایی نشده است (و گویا قرار نیست اجرا هم شود!)

به کجاها ربط داریم؟

۱. دانشگاه علم و صنعت ایران



دانشگاه علم و صنعت ایران

همانطور که مشخص است، مجمع دانشجویان حزب‌الله دانشگاه علم و صنعت، به دانشگاه علم و صنعت مرتبط است! در واقع تنها دانشگاهی هم که مجمع دانشجویان حزب‌الله دارد، دانشگاه علم و صنعت است.

۲. جنبش عدالتخواه دانشجویی



به طور خلاصه، مجمع دانشجویان حزب‌الله از مؤسسين جنبش عدالتخواه دانشجویی است. همچنان نیز یکی از تشکلهای این اتحادیه‌ی دانشجویی است. البته اگر پیگیر مسائل و ... باشید، اسم جنبش عدالتخواه را در مسائلی مانند خصوصی‌سازی، دانشگاه الزهرا و ساخت‌وسازهای غیرمجاز لواسان شنیده باشید.

به کجاها ربط نداریم؟

۱. انصار حزب‌الله



انصار حزب‌الله پدیده‌ای است که در دهه‌ی ۷۰ در اوج بود؛ پدیده‌ای که خیلی‌ها به چماق می‌شناختندش و ایستهای خیابانی؛ از آنهایی که در هیچ جای دنیا نسخه ندارد و تحلیل چندتا از این مجله‌ها می‌خواهد. خلاصه که رابطه‌ی ما بیش از تشابه اسمی نیست! البته متأسفانه تشابه‌های اسمی با گروه‌ها و اشخاص بدنام در مجمع زیاد هست!

۲. حزب‌الله لبنان

هر چند از اول فعالیت‌های مجمع در حوزه‌ی جهان اسلام و جبهه‌ی مقاومت بوده است و همه‌ی جنبش‌های جهادی و مجاهدان جبهه‌ی مقاومت را دوست داریم، ولی با حزب‌الله لبنان ارتباط تشکیلاتی مستقیم نداریم.

سال تحصیلی ۸۳-۸۴ سال تجمع و تحصن بود! آذرماه سال ۸۴ دانشجویان چند دانشگاه تهران به مدت پنج شب در خیابان خوابیدند تا توجه مسئولان به پدیده‌ی خیابان خوابی جلب شود. نتیجه‌ی آن هم ایجاد گرمخانه برای خیابان‌خواب‌ها بود....



بهار ۸۴ هم تحصن دانشجویان روبه‌روی مجلس به مدت ۶ روز و در اعتراض به پذیرش پولی دانشجو بود که قصه‌اش سر دراز دارد!

سال ۸۷، سال بازگشت به مبانی بود؛ یعنی همان تحصن و تجمع! ۶ ماه محاصره و جنگ ۲۲ روزه غزه و بی‌عملی داخلی‌ها و خارجی‌ها خون مردم را به جوش آورده بود که همراه شد با آن پیام تاریخی آقا. تحصن در فرودگاه برای اعزام به غزه و تجمع مقابل سفارتخانه‌ها (که با پذیرایی نیروی انتظامی همراه بود) از کارهایی بود که انجام شد و نتیجه‌ی آن به راه انداختن دولت برای تلاش جهت حل این مسأله بود.



از سال ۸۸ تا ۸۹ بچه‌های مجمع به یک سری فعالیت از جمله پیگیری خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها و مسائل مربوط به منطقه‌ی ۱۹ شهرداری تهران (که مستندش هم ساخته شده و در سایت مجمع هست)، با رویکرد نفی حاکمیت سرمایه دست زدند.

در سال ۹۰ پس از واقعه‌ی ورود به سفارت انگلستان، مجمع تنها تشکلی بود که به طور رسمی در نگویش ورود به سفارت بیانیه داد. البته شبکه‌ی سلطنتی BBC با تحریف بیانیه، قضیه را جور دیگری نشان داده بود. مجمع تا مدت‌ها به خاطر این بیانیه تحت فشار بود تا اینکه مقام معظم رهبری در سخنرانی خویش، ورود به سفارت را کاری اشتباه تلقی کردند و دوستان بی‌خیال ما شدند!



در این دوره دوباره فعالیت‌ها به سمت مطالعه و آشنایی با اندیشه‌های متفکران انقلاب اسلامی شد. بخش دیگر فعالیت مجمع در راستای تحقق فضای آزاداندیشی در دانشگاه بود که حاصلش تشکیل جلسات و برنامه‌هایی برای گفت‌وگو و تضارب آرا شد.

در این مدت بچه‌های مجمع بیشتر به کارهای مطالعاتی و نشریاتی روی آوردند و به تقویت بیش‌تر مبانی فکری خود پرداختند و فعالیت‌های بیرونی مجمع، جای خود را به فعالیت‌های مطالعاتی داد.

در این سرمای فعالیت دانشجویی (!) تلاش کردیم تا جایی که می‌توانیم وظایفمان را انجام دهیم پس در سکوت داخلی پس از انتقال سفارت آمریکا، خیمه‌های بازگشت نمادین خود را در ماه مبارک رمضان جلوی سردر دانشگاه برپا کردیم و هر شب از افطار تا سحر برنامه داشتیم که مورد توجه رسانه‌های داخلی و فلسطینی قرار گرفت. همان سال مسأله‌ی استقلال کردستان عراق هم مطرح بود، پس کرسی آزاداندیشی‌ای هم با موضوع استقلال اقلیم کردستان داشتیم تا کمی بیشتر با مسئله‌ی کردستان آشنا شویم.



تجمع مقابل سفارت هند در اعتراض به اقدامات دولت هند علیه مسلمانان کشمیر

تجمع مقابل وزارت امور خارجه، سفارت فنلاند (ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا) و سفارت نیجریه در اعتراض به سکوت در برابر اقدامات دولت افراطی نیجریه علیه شیخ زکزاکی رهبر جریان اسلامی نیجریه



تجمع مقابل سازمان خصوصی سازی در اعتراض به روند افسارگسیخته خصوصی سازی



دیداری با کاردار مالزی و تقدیر از مواضع ضدصهیونیستی دولت این کشور در عدم اجازه ورود به ورزشکاران رژیم صهیونیستی در مسابقات شتای پارالمپیک

دبیر و نوزولا برای تربیک شکست کودتای آمریکایی در این کشور

مناظره بین نمایندگان جریانات سیاسی کشور (اصلاح طلب، اصولگرا و عدالتخواه) با موضوع انتخابات مجلس شورای اسلامی

کاغذپاره‌های فیل و خر!

چرا انتخابات این دوره آمریکا برای کل دنیا به این حد مهم شده و تمام بازارها و به طرز قابل توجهی بازار ایران را مورد تأثیر قرار داده؟

در ایران دو نگاه وجود دارد. یکی رهبر انقلاب که بیان داشت در آمریکا هرکسی انتخاب

شود سیاست جمهوری اسلامی ایران ثابت است که می‌توان موارد «عدم مذاکره در موارد غیرهسته‌ای و اتمام بحث هسته‌ای بین ایران و آمریکا با برجام با وجود تمام نواقصی که برای ایران داشته (چنانچه آمریکا به آن پایبند باشد، ما نیز پایبند خواهیم بود)» (نقل به مضمون) از مؤلفه‌های آن است. از طرف دیگر آقای روحانی بیان کردند «برای ما فرقی نمی‌کند چه کسی رئیس جمهور آمریکا باشد اما سیاست‌های اتخاذ شده برای ما اهمیت دارد. این نگاه یک مرحله از بیانات رهبر نازل‌تر بود. طبیعی است که با تغییر افراد سیاست‌ها تغییر بکند»

ما به‌صورت سنتی یک اقتصاد نفت محور داشتیم. یعنی فروش نفت و دریافت درآمدهای آن و هزینه‌کردن آن که به‌صورت واردات خواهد بود. به همین دلیل وقتی ما از سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ مواجه شدیم با حجمی از تحریم‌های جدی (همان تحریم‌های فلج‌کننده به بیان آمریکایی‌ها و جنگ اقتصادی به بیان خودمان) با مشکلات زیادی مواجه

شدیم. در گذشته بعضاً به مشکل می‌خوردیم، با کاهش صادرات یا کاهش بهای نفت که این تکانها کوتاه‌مدت بود اما این تحریم‌ها دیگر تکانه‌های کوتاه‌مدت نبودند و به‌صورت بلندمدت عمل می‌کند.

در این اقتصاد دلایزه شده و سوداگرانه، تکانه‌های بیرونی و لو روانی تأثیرگذار است. پس

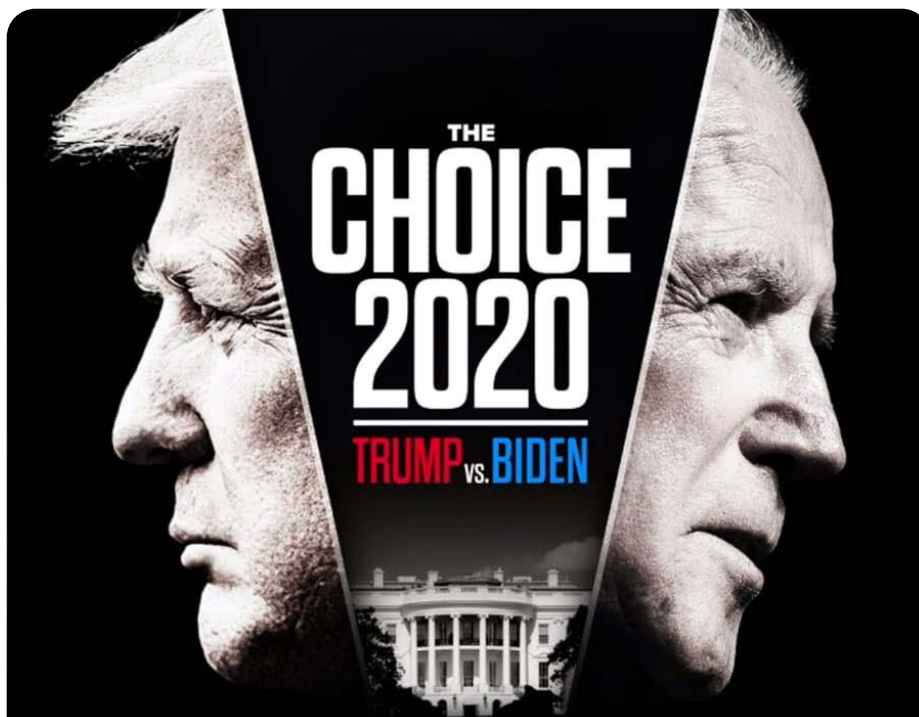
انتخابات آمریکا باتوجه‌به تأثیرگذاری کلان در سطح جهان حائز اهمیت خواهد بود. سیاست خارجه این هفت سال اخیر نیز به این موضوع دامن می‌زند. طی این هفت سال نیز به‌واسطه آنکه دولت تمام تخم‌مرغ‌ها را در سبد آمریکا قرار داده بود و ایده اصلی آن مذاکره با آن بوده، تأثیر این انتخابات بیشتر نیز می‌شود. بخشی از مردم این تفکر را دارند که با

دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، تفاوت پاییز و زمستان است. به نظر شما انتخاب هرکدام از این گروه‌ها چه تأثیری بر اقتصاد ایران خواهد داشت؟

اگر تأثیر انتخابات آمریکا را به دو بخش بلندمدت و کوتاه‌مدت تقسیم کنیم و گزینه‌های قابل انتخاب را دموکرات و جمهوری خواه، ماتریسی دو در دو داریم. در کوتاه‌مدت انتخاب

دموکرات‌ها باعث مقداری آرام‌تر شدن فضای اقتصادی کشور شود. به دلیل دلایزه شدن اقتصاد ایران و عدم توجه به تولید. این وضعیت با سیگنال‌های روانی تأثیرپذیری زیادی دارد. همچنین گروه‌های مؤثر در اقتصاد ما تمایل به تنش‌زدایی با قدرت‌های غربی دارند. از آنجاکه می‌دانند در دوره دموکرات‌ها احتمال به توافق رسیدن بیشتر است و مخصوصاً که ترامپی که نامزد جمهوری خواهان است اقداماتی مانند ترور سردار سلیمانی را داشته و راه مذاکره با خودش را بسته، تمایل بسیار زیادی به رأی آوردن بایدن دارند تا باب مذاکره و تنش‌زدایی بسته نشود. به همین دلیل این تمایل را در حوزه‌های اقتصادی که در آن نفوذ دارند نیز اعمال می‌کنند. به بازار جهت می‌دهند. این در کوتاه‌مدت است. عکس همین اتفاق در انتخاب ترامپ رخ می‌دهد. سیاست ترامپ فشار حداکثری است و واکنش بازار به آن منفی خواهد بود و برای اقتصاد ایران شوک آفرین خواهد بود. در بلندمدت کاملاً متفاوت است. در مواجهه با ترامپی

که مطالباتش را به طور صریح بیان می‌کند و هیچ کرنشی ندارد، اقتصاد و تصمیم‌گیران بهتر می‌فهمند که جامعه و اقتصاد را به مذاکره نباید امیدوار کنند و به ظرفیت‌هایی به جز ظرفیت‌های مذاکره دل می‌بندد. به‌طورکلی می‌دانند که تحریم چیزی است که حداقل تا چهار سال دیگر ادامه دارد، پس سیاست‌ها



انتخابات آمریکا و تأثیرات آن بر ایران



ساعت ۱۶



جناب آقای
مسعود براتی

پژوهشگر حوزه بین الملل



لینک جلسه در شبکه های اجتماعی مجمع حزب الله

قرار داده خواهد شد :

@majmahezbollah

آمدن ترامپ ارزش پول ملی ما که طی این مدت با افت شدیدی مواجه شده در طی چهار سال آینده نیز همین مسیر را طی می‌کند و وخیم‌تر خواهد شد و زمینه‌ساز مشکلات عدیده می‌شود و با آمدن بایدن حجم تحریم‌ها کاهش پیدا می‌کند و به وضع بهتری می‌رسیم. به تفسیر شما تفاوت

را بر اساس آن می‌چینند. مخصوصاً اقتصاد ما که سیاست‌های بالقوه‌ای دارد که بالفعل نشده. غیر از حوزه نفت، حجم زیادی ظرفیت در حوزه غیرنفتی داریم که به دلیل غلبه نفت بی‌توجه مانده، مثل ترانزیت، کشاورزی و باعث می‌شود که به این موارد توجه شود، ارتباطات ما به خارج از کشور بازمهندسی شود، چرا که می‌دانیم با غرب نمی‌توانیم به نتیجه برسیم و روابطمان با همسایه‌ها را توسعه بدهیم و دنبال تأمین نیازهایی که توانایی تأمینشان را نداریم در کشورهای باشیم که می‌توانیم با آن‌ها روابط بلندمدت و پایدار ایجاد بکنیم. نگاهمان به شرق جدی‌تر می‌شود. مخصوصاً با سیاست‌هایی که برای بایدن نوشته شده در مواجهه با ایران، حتی می‌تواند در مناسبات سیاسی ما تأثیر بگذارد و جریان مذاکره‌کننده را در ایران تثبیت کند. این در مجموع، چهار سال بعد نیز شرایط بدتری از امروز داشته باشیم اگر امروز درصدی از جامعه درگیر انتخابات آمریکا می‌شوند. حتماً چهار سال بعد، مضاعف خواهد شد. فهم این دو مسئله مهم است. این‌ها با فرض این است که جامعه ایران هوشمند نشود. چنانچه جامعه ایرانی از خود هوشمندی نشان دهد و مسیر اقتصاد مقاومتی را طی کند، انتخاب بایدن یا ترامپ تفاوتی ایجاد نخواهد کرد.

در عمل چقدر راهکار اقتصادمحور مقاومت موفقیت‌آمیز خواهد بود؟ الان حجم مبادلات عراق، سوریه، ونزوئلا، افغانستان، بولیوی و آفریقا چه میزان است؟

اولویت اقتصاد مقاومتی تأمین نیازها از داخل است. بخش مهمی از نیازها را می‌توانیم تأمین کنیم؛ بنابراین بخش مهمی از مشکلاتمان رفع خواهد شد. ما توان بالایی در ساخت مسکن داریم، هم نیاز را برطرف می‌کند، هم اشتغال ایجاد می‌کند. در گام بعدی برای استفاده از فرصت‌های بیرونی ما در عراق، سوریه ظرفیت‌های بسیاری داریم که برای صادرات و قابل توجه است. می‌تواند برای ما اشتغال ایجاد کند و ارزآوری داشته باشد. همچنین تعامل با دو قدرت مهم، چین و روسیه بسیار به ما کمک می‌کند. چین هم از نظر تکنولوژی می‌تواند تقریباً تمام نیازهای ما را برطرف کند، هم از نظر نیازهای یک کشوری مثل ایران داشته باشد، از جمله تأمین امنیت و انرژی. ما یک چالش جدی در همکاری بلندمدت در همکاری با چین داریم. چین تمایل دارد که از ما مواد خام بگیرد و محصولاتش را به ما بفروشد. ما تمایل داریم خودمان به سمت تولید برویم و ارزش افزوده ایجاد کنیم. البته این قابل مدیریت است و می‌توانیم به یک نقطه بهینه برسیم. در مجموع، بله، ظرفیت‌های خارجی ما ظرفیت جدی است. البته نه با این دولت مستقر و سیاست خارجی

فعلی. مخصوصاً در حوزه چین اصلاً عملکرد قابل قبولی نداشتند و به این رابطه لطمه زدند.

حفظ ساختار تحریمی علیه یک کشور کار آسانی نیست. این موضوع در سال ۹۱ و ۹۲ نیز مطرح بود که با گذر زمان تحریم‌ها از بین خواهد رفت، آمریکا می‌تواند تحریم‌های مالی را تا ابد حفظ کند، اما تحریم‌های تجاری را نمی‌تواند حفظ کند. همین الان چین به طور رسمی از ایران تحت تحریم نفت می‌خرد

بعضی تصورشان این است که ما مستمراً به سمت بدتر شدن حرکت می‌کنیم، چرا که تحریم‌ها در حال تشدید است. نه، این واقعی نیست. درست‌تر ترامپ بهانه تحریم‌ها را گسترده‌تر می‌کند. اما در لایه اثرگذاری و فشاری که به اقتصاد تحمیل می‌کند، ما سال گذشته از پیک تحریم عبور کردیم. نشانه‌اش این است که ما با وجود باقی‌ماندن تحریم‌ها بیش از گذشته در حال فروش نفت هستیم. صادرات غیرنفتی‌مان با وجود تحریم‌ها کاهش نیافته. از همان سال ۹۱ و ۹۲ مطرح بود که حفظ ساختار تحریمی علیه یک کشور کار آسانی نیست. شاید در برخی حوزه‌های مانند تحریم یو ترن دلار آمریکا بتواند این تحریم را برای همیشه حفظ کند اما در حوزه فروش نفت نمی‌تواند. هرچقدر روی بازیگرانی که در حال خرید نفت ایران هستند، فشار بگذارد نمی‌تواند آنان را به طور بلندمدت مجبور به صفر کردن میزان خریدشان بکند. الان چین به طور رسمی علی‌رغم تمام تحریم‌ها و حرف‌های در حال خرید نفت از ایران است. آمریکا هم شرکت‌های دست‌چندم را تحریم می‌کند. با اینکه می‌داند دولت چین پشت سر ماجراست. من حتی ادعا می‌کنم در حال برهم زدن تحریم‌های حوزه تجاری هستیم. تحریم‌های حوزه بانکی مقداری زمان‌بر است. البته اگر ما سیاست تجاری‌مان را بر اساس یک قواعد درست انجام بدهیم، نیازمند آن حوزه هم نخواهیم بود. اگر ما از تهاجر به‌درستی استفاده کنیم، نیاز تعاملات مالی‌مان به شدت کاهش پیدا می‌کند. برای همین فارغ از اینکه تحریم مالی سر جای خودش هست یا نه، ما نیاز خود را برطرف می‌کنیم. البته اینجا خلاقیت، پشتکار، تعامل، ابتکار و فعالیت لازم است، لذا می‌گویم دولت فعلی خیلی توان انجام این کار را ندارد. ما ظرفیت‌هایی که داشتیم را استفاده نمی‌کردیم. فقط هم به‌خاطر این نبوده که دولت منتظر غرب ایستاده. تحلیل خود من به‌خاطر وجود

ساختارهای سنتی تجارت است. در گذشته بخش‌هایی بودند که پول نفت را می‌گرفتند و از آمریکا و آمریکای جنوبی دانه‌های روغنی وارد می‌کردند. این الان برای خودش نهادی پر قدرت شده. وقتی می‌گوییم تهاجر، یعنی مهندسی تجارت خارجی را تغییر بدهیم. از جایی واردات انجام بدهی که صادرات می‌کنی. خب این خلاف ساختار قدیمی است و ساختار قدیمی در برابر آن مقاومت می‌کند.

تحریم برای ایجاد تنوع در اقتصاد مفید است چرا که در گذشته گستردگی نفت اجازه به رشد صنعت دیگری نمی‌داد

عده‌ای به دنبال مذاکره می‌روند. ما در بلندمدت (در حدود یک سال یا یک سال و نیم دیگر) اگر همین مسیر را ادامه بدهیم، نه اینکه بگوییم الان تحریم‌ها برداشته می‌شود و ولی کشور به یک ثبات اقتصادی می‌رسد که مقدمه رشد اقتصادی است.

باتوجه به اینکه اقتصاد تک‌محصولی بحث مهمی برای اقتصاد ایران است، چطور می‌توان در شرایط تحریمی اقتصاد را متنوع کرد؟ اصولاً چنین چیزی ممکن است؟

تحریم اتفاقاً کمک می‌کند به متنوع سازی اقتصاد. مهم‌ترین مانع برای متنوع شدن اقتصاد ایران نفت بوده به‌خاطر قدرتی که داشته، حجم زیادی را پوشش می‌داده، راحت‌الوصول هم بوده و اجازه نمی‌داده ظرفیت دیگری فعال شود. وقتی نفت شما قطع می‌شود، نیاز به صادرات غیرنفتی پیدا می‌کنید تا نیاز ارزی‌تان را پوشش دهد. همچنین به دنبال کاهش نیاز ارزی می‌روید. در برخی حوزه‌ها نیازمند تولید داخل می‌شوید. تعادل اقتصاد هم به این سمت می‌رود که تولید داخل به‌صرفه باشد. نرخ ارز گران می‌شود و طبیعتاً تولید داخل صرفه پیدا می‌کند؛ لذا به نظر من تحریم در مجموع به تقویت حوزه‌های غیرنفتی کمک می‌کند.

این موارد زمینه‌ساز باج دادن ما به‌طرف مقابل نیست؟ برخی موارد زمزمه‌هایی شنیده می‌شود از اینکه ایران سوبسیدی را به‌طرف مقابل داده تا بتواند کالایی را وارد کند. این اتفاق محتمل هست؟

اگر منظورشان این است که دورزدن تحریم هزینه دارد و شما در حال هزینه دادن هستید؟ بله این اتفاق هست. البته این هزینه‌ای که شما برای دورزدن تحریم می‌دهید موقت است. ساختارهای دور زنده تحریم شکل می‌گیرد. ما تجربه این را در اکثر حوزه‌ها داریم که ابتدا کارمزدها زیاد است، به‌مرور که مسیر باز می‌شود و تعداد رقبا بیشتر می‌شود هزینه کاهش پیدا می‌کند.

به بهانه‌ی تحریم نباید اقتصاد را غیرشفاف کرد، می‌توان تا مرحله‌ی فروش از بیت‌المال را شفاف گذاشت که با چه قیمتی و چه میزانی فروش انجام شده ولی اینکه چه کسی مصرف‌کننده‌ی نهایی است، شفاف نشود. مانند بورس انرژی

داخل شفاف باشد و در خارج غیرشفاف. مثل همین عرضه‌ی فرآورده در بورس انرژی. سیستم داخل کاملاً آگاه است که چه میزان فرآورده که متعلق به بیت‌المال است به چه نحوی و به چه میزان و به چه قیمتی فروخته شده، اینکه از این به بعد چطور می‌رود و مصرف‌کننده‌ی نهایی چه کسی است مشخص نیست و به طریق اولی هم به آمریکا ربطی ندارد. سیستم را طوری طراحی می‌کنیم که خطر فساد در داخل سیستم از بین برود. تا مرحله‌ی عرضه به بورس می‌رود و نهادهای نظارتی می‌توانند نظارت بکنند اما از آن به بعد به

کسی ربطی ندارد. از این الگو می‌توانیم برای تأمین نیازهایمان استفاده کنیم. اقبالش بسیار زیاد هم هست. به میزانی که در سه هفته گذشته، بیش از یک میلیارد دلار فرآورده نفتی فروخته شده. در ابتدا لازم است که جذابیت ایجاد کنیم و تخفیف بدهیم. اشکالی ندارد، ما برای سازش هزینه می‌دهیم برای مقاومت هم باید هزینه بدهیم. این هزینه به مراتب بهتر است چون منجر به یک پایداری می‌شود. مدل دوم نیز تأمین نیازهای در داخل است. مثل خرید تضمینی محصولات اساسی. در تمام زنجیره‌ها نیز می‌توان شفاف بود. برای این چالش تجربه داریم. این مسیرها هزینه کمتری دارند تا مذاکره و امتیاز دادن و ... که در بلندمدت مضر نیز هستند.

از نظر حقوقی، غذا و دارو تحت تحریم قرار نمی‌گیرد برای برخورد با موضوع پزشکی باید از طرف نهادهای بین‌المللی اقدام کرد و مذاکره راه‌حل خوبی نیست

تحریم‌ها بی وجود دارد. برخی داروها در اختیار آمریکاست. این موارد را چگونه می‌توان برطرف کرد؟ به طور آماری باید بررسی کرد که داروهایی که مشکلشان داریم، توان تولید را نداریم یا در شرق تولید نمی‌شود؟ دارو از نظر حقوقی در زمره تحریم‌ها نیست، روی کاغذ هم همین را نوشته‌اند اما در عمل همین کار را کرده‌اند. روی کاغذ تحریم‌ها شامل دارو و غذا نمی‌شود غیر از تحریم‌های تروریستی که به ایران شدیداً تحمیل شده. ما

آمریکا در حوزه‌ی تجاری کار سختی دارد. برای گرفتن یک کشتی باید نیروی نظامی داشته باشد که همه جا نیست. در شرق وضعیت برایش کنترل‌پذیر نیست. در حوزه‌ی تجارت زمینی که توانایی کمتری دارد

آمریکا برای مسدود کردن مسیرهای دورزدن تحریم ایران تلاش‌های زیادی کرده. در برخی حوزه‌ها توانایی بالایی دارد. مثل حوزه بانکی. در بخش مهم، بخش تجارت هست. آمریکا در این حوزه کار بسیار سختی دارد. مثلاً در حوزه بانکی جریان FATF مهم‌ترین موضوعی است که آمریکا به طور جدی دنبال می‌کند تا بتواند اعمال تحریم‌ها را جدی دنبال کند. در کنار بحث‌هایی مثل سوئیفت را استفاده می‌کند تا بتواند اجرا کند. در زمینه تجاری هم در بحث‌هایی مثل کنترل صادرات و پروژه P2P هم که متأسفانه ایران دنبالش می‌کرد آنجا می‌بینید که کمک می‌کند به تحریم‌های

آمریکا. در حوزه دریایی رصد تانکرها و کشتی‌های بزرگ که توسط بخش‌های جداشده از وزارت خزانهداری در حال انجام است. در حوزه تجاری در واقعیت کار سختی دارد. برای گرفتن جلوی یک کشتی باید نیروی نظامی داشته باشد هرچند که بزرگ‌ترین نیروی دریایی را دارد، اما این طور نیست که همه جا باشند.

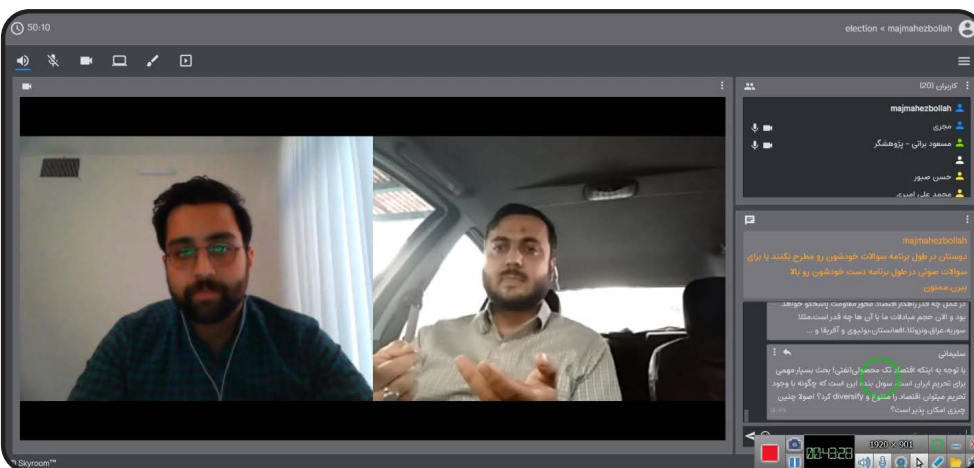
در مرزهای زمینی کلاً ناتوان است. نمی‌تواند در مرزهای زمینی نقش جدی ایفا کند. در حوزه تجارت و پیدا کردن مسیرهایی که ایران در حال دورزدن تحریم‌هاست در بخش شرق آسیا آمریکا در کنترل به شدت ضعیف است. یکی از بروکینز اشاره می‌کرد که مهم‌ترین دلایلی که تحریم‌های آمریکا توانسته جلوی فعالیت ایران را بگیرد این بوده که توسعه فناوری موشکی ایران درون‌زا بوده و در تعامل با شرق بوده، به همین دلیل تحریم‌ها تأثیر نگذاشته.

تحریم‌ها به این دلیل توانست بر صنعت موشکی ما تأثیر بگذارد، درون‌زا و تعامل آن با شرق بوده که متکی به غرب نبوده

همه تحریم‌هایمان این جنسی نیست. آمریکا یک سیاست اعلامی دارد، یک سیاست عملی. در سیاست اعلامی، دارو را شامل نمی‌شود اما در عملی شامل می‌شود. هم در خود مسیر مستقیم تسویه هزینه دارو و هم در جریان تأمین مالی دارو. از این جهت حرف دولت درست است. اما اینکه شما برای تأمین دارو بخواهید وارد جریان مصاحبه بشوید، کار غلطی است. می‌توان از طریق حقوق بشری این مسیر را دنبال کرد و به نتیجه رساند. ما یکی از کارهایی که باید به طور جدی دنبال می‌کردیم و ضعیف شد (البته یک سال می‌شود که دوباره پیگیری می‌شود). کارهای حقوقی است.

دورزدن تحریم‌ها به توجیه غیرشفاف کردن اقتصاد کمک می‌کند؟

برای دورزدن تحریم نیاز به عدم شفافیت دارید. عدم شفافیت موجب تولید فساد می‌شود و این یک نابرابری و یک نامعادله است. چالش مهمی است چون اگر سیستم شما به صورت مستمر به عدم شفافیت خوب بکند، نتیجه‌اش این است که فساد در آن توسعه پیدا می‌کند. به معنای لزوماً نیست اما احتمالش بیشتر می‌شود. اینجا دو



سیبیل‌های چرب!

ابتدا قصد داشتم به موضوع فساد سیستماتیک در ایران و تأثیر دقیق فساد بر رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) بپردازم. اما به این نتیجه رسیدم که این مقالات (به‌خصوص موضوع تأثیر فساد بر GDP کشورها) دارای داده‌های آماری و

مدل‌سازی‌های ریاضی بسیاری است که موجب خستگی خوانندگان می‌شود و کمتر فردی با آن فرمول‌ها و مفاهیم تخصصی اقتصاد آشناست. از طرفی، این موضوع که اساساً به مفاهیم زیربنایی فساد و مؤلفه‌های کلی آن اشاره می‌کند، نقشه راهی است تا بهتر بتوانم در نوشته بعدی به موضوع جالب‌تر فساد گسترده در ایران بپردازم.

این مقاله خود چکیده‌ای از منابع دیگر است، شاید تشریح برخی موضوعات برای خوانندگان

نامفهوم یا ناقص به نظر بیاید، در این صورت بهتر است که به منابع اشاره شده رجوع کند.

فساد اداری، پدیده‌ای است که کم‌وبیش در همه کشورهای جهان وجود دارد. اما، نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی مبدل شده و باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود این معضل، اقتصاد داخلی را فلج و جریان توسعه را مختل می‌سازد و اصل حاکمیت قانون را مخدوش می‌کند.

بیشتر بخش‌های این مطلب، حاصل ترجمه مستقیم سری The Economic Issues است که از طرف صندوق بین‌المللی پول (IMF) منتشر شده است.

مطالب زیر از مقاله "اثرات فساد در رشد، سرمایه‌گذاری و هزینه‌های دولت" (۱) نوشته پائولو مائورو، اقتصاددان بخش توسعه و بررسی سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول، برداشته شده است. (دبید دی. دریسکل از اداره روابط خارجی صندوق نسخه حاضر را تهیه کرده است.)

چرا باید درباره فساد نگران باشیم؟

فساد اداری پدیده‌ای با سابقه طولانی است، همیشه وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد

داشت مگر آنکه دولت‌ها بتوانند راهکارهای مؤثری برای مبارزه با آن کشف کنند و البته که این کار

آسان نخواهد بود!

اگرچه بررسی علل و عواقب فساد اقتصادی در اقتصاد سابقه طولانی دارد، اما اگر به ۳۰ سال پیش برگردیم، می‌بینیم که میزان تخمین و تحقیقات تجربی روی اعمالی که اقتصاددانان آن را رانت‌خواری می‌دانند، کم شده است.

این تعجب‌آور نیست زیرا ابعاد فساد مخفیانه



می‌ماند. همچنین تعیین اینکه نهادهای دولتی چه میزان کارایی دارند چیزی نیست که بتوان آن را تحقیق کاملاً علمی نامید! در نتیجه، اندازه‌گیری فساد بسیار سخت است و تحقیقات اقتصادی تجربی در مورد این مسائل بسیار ناچیز است. این مقاله منحصراً روی اقدامات عمومی فاسد (فعالیت‌های غیرقانونی که کارایی اقتصادی دولت‌ها را کاهش می‌دهد) تمرکز دارد و شامل فساد خصوصی که توسط افراد و مؤسسات خصوصی با جرایم سازمان‌یافته اعمال می‌شود، نیست.

در این مقاله دو هدف داریم. در ابتدا، تعدادی از دلایل و عواقب احتمالی فساد را لیست کرده‌ایم (که از مطالعات تجربی اخیر استخراج شده و از رگرسیون‌ها بین کشورها، برای تعیین میزان پیوند فساد با علل و عواقب آن استفاده شده - رگرسیون یک نوع مدل آماری است برای پیش‌بینی یک متغیر از روی یک یا چند متغیر دیگر. در این حالت، رگرسیون به محتمل‌ترین دلایل و عواقب

با عدم قطعیت بسیاری مواجه می‌کند، اما این مطالعات، شواهد مبنی بر اینکه فساد ممکن است مانع جدی عملکرد اقتصادی شود را به طور کافی ارائه می‌دهد. دوم، این مقاله مطالعاتی را در مورد میزان تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی و تأثیرات آن بر دولت‌ها در اختصاص هزینه‌های خود ارائه می‌دهد. این تحقیق نشان می‌دهد که فساد باعث دلسردی در سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود، رشد اقتصادی را محدود می‌کند و ترکیب هزینه‌های دولت را تغییر می‌دهد که اغلب به ضرر رشد اقتصادی در آینده است.

اجاره یا رانت اقتصادی؟

اجاره (Rent)، برای بیشتر ما هزینه‌ای است که ماهانه به صاحبخانه پرداخت می‌کنیم. اما برای اقتصاددانان، اجاره (rent) مخفف "رانت اقتصادی" (economic rent) است و معنای آن کاملاً متفاوت است.

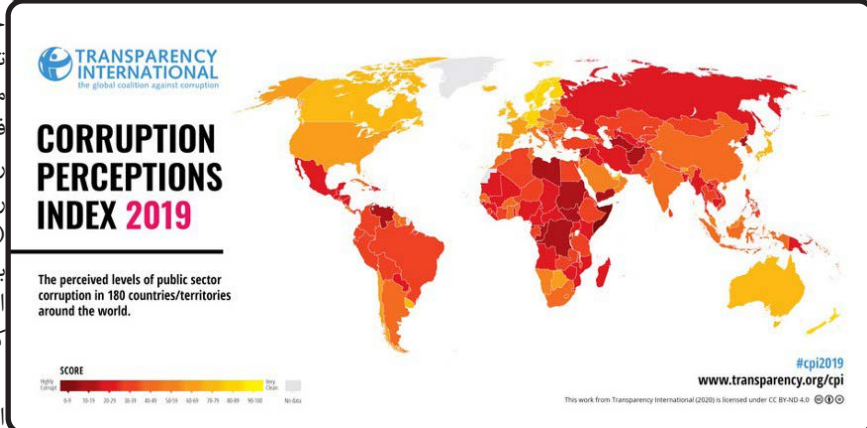
رانت اقتصادی هزینه اضافی است که به کسی (یا در مورد

چیز مفیدی) پرداخت می‌شود که عرضه آن به دلایل طبیعی یا نبوغ انسانی محدود می‌شود. به‌عنوان مثال، مایک تایسون (!)، قهرمان بوکس، استعداد طبیعی و کمیابی در شکست دادن حریفان خود در مرحله اول دارد و حدود ۷۰ میلیون دلار برای بکار گرفتن این استعداد در سال ۱۹۹۶ به او پرداخت شد. اگر او یک بوکسور با استعداد نبود، گزینه احتمالی آقای تایسون، مشاغلی تاحدی با سطح درآمد پایین‌تر بود، و به‌جایش، مثلاً سالانه حدود ۳۰,۰۰۰ دلار درآمد کسب می‌کرد. این اختلاف ۶۹ میلیون و ۹۷۰ هزاردلاری در دستمزد او، رانت اقتصادی متعلق به آقای تایسون است زیرا طبیعت به این نتیجه رسیده است که بوکسورهای هم‌رده وی با چنین مهارتی بسیار کم هستند.

در مثالی دیگر، برای چندین سال در طول دهه ۱۹۸۰ دولت ایالات متحده واردات خودروهای ژاپنی را به یک سهمیه خاص محدود کرد و برای خودروهای خارجی کمبود مصنوعی ایجاد کرد.

حاصل آن؟ جنرال موتورز و سایر تولیدکنندگان اتومبیل ایالات متحده نه تنها خودروهای بیشتری فروختند بلکه قیمت‌های خود را نیز بالا بردند و از این طریق از رانت اقتصادی بهره‌مند شدند. (خودروهای آمریکایی با قیمت بالاتر در برابر خودروهای ژاپنی ارزان‌تر ولی غیرقابل‌دسترس و کمیاب!).

تولیدکنندگان خودروی ژاپنی نیز از رانت اقتصادی بهره بردند زیرا تقاضای خودروهای آنها در ایالات متحده از عرضه کم مصنوعی پیشی گرفت.



فساد اشاره می‌کند).

اگرچه محدودیت‌های داده، کار تجربی‌مان را

نرخ ارز چندگانه اغلب با سیستم‌های بانکی ضد رقابتی در ارتباط هستند که در آن یک بانک کلیدی با روابط دولتی می‌تواند با آربیتراژ بین بازارها سود کلانی کسب کند. برخی از کشورها ذخایر ارزی خارجی کمی دارند و آنچه را که در اختیار دارند از طریق طرح‌های مختلف و با درجات مختلف شفافیت توزیع می‌کنند. به‌عنوان مثال، اگر بانک‌های تجاری دولتی با تخصیص ارز مطابق با اولویت‌های تعیین شده توسط دولت، ارز کمیاب تهیه کنند، اشخاصی مایل‌اند به مقامات رشوه بدهند تا بیش از سهم عادلانه‌شان ارز دریافت کنند.

۵. دستمزد پایین در خدمات دولتی نسبت به دستمزد در بخش خصوصی، منبع فساد در سطح پایین است. وقتی دستمزد خدمات دولتی بسیار کم باشد، کارمندان دولت مجبور می‌شوند از موقعیت خود برای دریافت رشوه به‌عنوان راهی برای تأمین مخارج زندگی خود استفاده کنند، به‌ویژه هنگامی که هزینه‌های زندگی در مقایسه با درآمد بسیار زیاد باشد. علاوه بر مقررات دولتی به‌عنوان فرصتی برای فساد، دلایل دیگری نیز برای فساد شناسایی شده است.

۶. موهبت‌های منابع طبیعی (نفت، طلا، الومر، معادن و...) نمونه واضحی از منابع رانت‌هاست، زیرا به‌طور معمول می‌توان آنها را با قیمتی فراتر از هزینه تولید و استخراج فروخت و فروش آنها معمولاً تحت مقررات دقیق دولت است که مقامات فاسد با باج‌گیری به‌راحتی چشم خود را بر قوانین می‌بندند. اقتصادهای غنی از منابع ممکن است بیش از کشورهای فاقد منابع در معرض رفتار شدید رانت‌جویی قرار بگیرند.

۷. عوامل جامعه‌شناختی ممکن است در رفتار رانت‌جویی مؤثر باشد. مشخص شده است که شاخصی از تقسیم‌بندی قومی - زبانی (تقسیمات اجتماعی در امتداد خطوط قومی و زبانی) با فساد در ارتباط است. همچنین، مقامات دولتی به‌احتمال زیاد در جوامعی که پیوندهای خانوادگی قوی است، برای اقوام خود لطف کنند.

از آنجاکه بسیاری از فسادهای عمومی را می‌توان در مداخلات دولت در اقتصاد جستجو کرد، سیاست‌هایی با هدف آزادسازی، ثبات، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی می‌توانند فرصت‌های رانت‌جویی و فساد را به شدت کاهش دهند. اما در مواردی که مقررات دولتی فراگیر است و مقامات دولتی در اعمال آن اختیار تام دارند، افراد زیادی مشتاق‌اند برای دورزدن قوانین به مسئولان رشوه بدهند و متأسفانه، مقامات گاه پذیرای این رشوه‌ها می‌شوند. مشخصاً شناسایی منشأ چنین فسادهای مرتبط با سیاست برای کنترل آن مفید است. منابع زیر برای مدتی کاملاً شناخته شده بوده‌اند:

۱. محدودیت‌های تجاری نمونه بارز منبع رانت ناشی از دولت است. اگر واردات کالای خاصی دارای محدودیت باشد (به‌عنوان مثال، تنها مقدار مشخصی از خودروهای خارجی می‌توانند وارد کشور شوند) آنگاه مجوزهای وارداتی این کالا بسیار ارزشمند می‌شود و واردکنندگان، به فکر رشوه دادن به مقاماتی که این مسئله را کنترل می‌کنند، می‌افتند. در مثالی دیگر، حمایت و محافظت از صنعت داخلی (فرضاً تولید تخته سه‌لا) در مقابل رقابت خارجی از طریق تصویب تعرفه‌ها، یک نیمه انحصار برای صنعت داخلی ایجاد می‌کند. تولیدکنندگان محلی برای برپایی و ابقای این تعرفه‌ها لابی خواهند کرد و برخی ممکن است سیاستمداران دارای نفوذ و قدرت را برای ادامه انحصار به فساد بکشند. مطالعات نشان داده است که باز بودن اقتصاد، به‌طور قابل‌توجهی با کاهش فساد مرتبط است. به‌عبارت دیگر، کشورها معمولاً فساد کمتری دارند وقتی که تجارت آنها تقریباً محدود به محدودیت‌های دولتی نباشد که مقامات فاسد بتوانند از آن سو استفاده کنند.

۲. یارانه دولتی می‌تواند منبع رانت و فساد باشد. مطالعات نشان می‌دهد که فساد با یارانه‌های غیر هدفمندی که به شرکت‌ها و صنایع غیرموجه اختصاص می‌یابد، رشد می‌کند. (هرچه این نوع یارانه‌ها برای صنایع بیشتر باشد، شاخص فساد بالاتر است.)

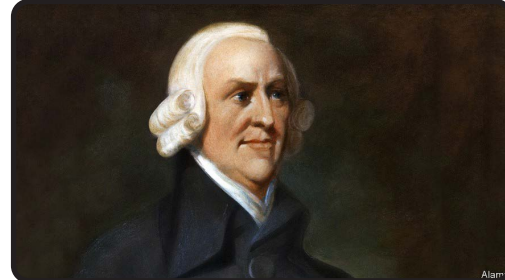
۳. کنترل قیمت‌ها (که هدف آنها کاهش قیمت برخی از کالاها به زیر ارزش بازار آن است - معمولاً به دلایل اجتماعی یا سیاسی)، منبع رانت و رفتارهای سوداگرانه پس از آن است. کنترل قیمت‌ها انگیزه‌هایی را برای افراد یا گروه‌ها فراهم می‌کند تا به مقامات رشوه دهند تا جریان این کالاها را حفظ کنند یا سهم نا عادلانه‌ای را با قیمت زیر بازار دریافت کنند.

۴. شیوه ارزش‌آوری متنوع و طرح‌های تخصیص ارز منجر به رانت می‌شود. بعضی از کشورها چندین نرخ ارز دارند - یکی برای واردکنندگان، دیگری برای گردشگران، یکی برای سرمایه‌گذاران، به‌عنوان مثال. اختلاف بین این نرخ‌ها می‌تواند منجر به تلاش برای دلالی و اصطلاحاً آربیتراژ شود. سیستم‌های

در مورد محدودیت‌های عرضه به‌طور طبیعی که بدون شک آقای تائسون مدیون آن است، کار زیادی نمی‌توان انجام داد.

اما تلاش برای دستیابی به رانت اقتصادی با ایجاد محدودیت‌های مصنوعی، کاری پررونق است....

"People of the same trade seldom meet" together, even for merriment and diversion, but the conversation ends in a conspiracy against the



Adam Smith — آدم اسمیت، پدر علم اقتصاد مدرن و از مطرح‌ترین نظریه‌پردازان نظام سرمایه‌داری

"public, or in some contrivance to raise prices

"آدم‌های هم پیشه کمتر با یکدیگر نشست و برخاست می‌کنند، حتی برای سرگرمی و شادمانی. ولی گفتگوهایشان همیشه با توطئه علیه مردم به پایان می‌رسد یا با تدبیری برای افزایش قیمت‌ها."

Adam Smith, An Inquiry into the Nature — bk i, ۱ and Causes of the Wealth of Nations, vol ch x, pt ii (۱۷۷۶)

این نقل‌قول آدم اسمیت اغلب برای تأکید بر ماهیت شرورانه و تباری آمیز "تجارت بزرگ" استفاده می‌شود و نقشه راه ابداع اصطلاح "توطئه علیه مردم نا آگاه" توسط جورج برنارد شاو شد.

در اینجا واژه 'توطئه' اشاره‌ای است به روش مورد استفاده دست‌اندرکاران مشاغل و رشته‌های حرفه‌ای برای به‌دست آوردن قدر و منزلت و قدرت و ثروت.

همه‌روزه شرکت‌های خصوصی مبالغ هنگفتی را صرف تلاش برای متقاعد کردن قانون‌گذاران برای اعطای انحصار یا محدود کردن رقابت می‌کنند تا برخی از صنایع یا افراد بتوانند به رانت اقتصادی دست یابند!

در سراسر جهان بوروکرات‌ها و افراد صاحب قدرت به طرز خستگی‌ناپذیری در تلاش‌اند تا خود را در انحصاری کوچک و مونیولی قرار دهند، چرا که می‌توانند با صدور مجوزها، تصویب هزینه‌ها یا اجازه حمل‌ونقل از مرزها، رشوه بگیرند. مطالعات نشان داده است که این فعالیت‌های رانت جویانه خسارت سنگین اقتصادی و اجتماعی به بار می‌آورد. برخی از فعالیت‌های رانت‌خواری کاملاً قانونی است. سایر فعالیت‌های رانت‌خواری که در این مقاله ذکر شده است کاملاً غیرقانونی است و ناگفته نماند که جامعه بدون تأثیر فساد آور آنها وضعیت بهتری خواهد داشت.



مجمع دانشجویان حزب الله دانشگاه علم و صنعت ایران

عضو اتحادیه دانشجویان عدالتخواه دانشجویی

www.majmahzebollahi.ir



هر دو می‌کشند

مرکز محتوای فضای مجازی بسیج آ. شرقی
@azar_matna
طراح: فرزاد نریمان زاده